



بررسی تطبیقی پیشگویی های آخرالزمان در اسلام، یهودیت و مسیحیت

پدیدآورنده (ها) : هدایتی، فاطمه؛ نورائی، محسن

ادیان، مذاهب و عرفان :: نشریه مشرق موعود :: تابستان ۱۳۹۵، سال دهم - شماره ۳۸ (ب)

صفحات : از ۲۲۵ تا ۲۴۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1122939>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۱۱/۱۶

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- انتظار ظهور منجی آخرالزمان در ادیان الهی (زرتشت، یهود، مسیحیت)
- بررسی تطبیقی پیشگویی های آخرالزمان از دیدگاه یهودیت، مسیحیت و اسلام
- اندیشه: حجاب از منظر قرآن و عهدین
- یهود در عصر ظهور
- آخرالزمان و حیات اخروی در یهودیت و مسیحیت
- دفاع از احادیث نشانه های ظهور
- سازگاری همسران به شیوه ی تغافل با تأکید بر آموزه های دینی
- منجی موعود در ادیان بزرگ قبل از اسلام
- نمادگرایی در نشانه های ظهور
- تطبیق نشانه های ظهور در گذر تاریخ
- واژه‌شناسی نشانه‌های ظهور و قیام در منظومه معارف مهدوی
- ندای آسمانی، نشانه‌ای از ظهور

عناوین مشابه

- بررسی تطبیقی پیشگویی های آخرالزمان از دیدگاه یهودیت، مسیحیت و اسلام
- بررسی تطبیقی پیشگویی‌های آخرالزمان در اسلام، یهودیت و مسیحیت
- بررسی تطبیقی نشانه های ظهور موعود آخرالزمان از دیدگاه دین اسلام و مسیحیت
- بررسی تطبیقی موعودباوری در اسلام، مسیحیت و یهودیت
- بررسی تطبیقی روش تربیتی مبتنی بر محبت در آموزه های اسلام و مسیحیت
- بررسی تطبیقی پیشگویی‌های آخرالزمان از دیدگاه یهودیت، مسیحیت و اسلام
- بررسی تطبیقی عهدنامه های تسلیم در اسلام و مسیحیت؛ با تأکید بر مورد اسپانیای اسلامی
- بررسی تطبیقی نشانه های ظهور موعود آخرالزمان از دیدگاه دین اسلام و مسیحیت
- بررسی تطبیقی برخی از مسائل زنان در اسلام، مسیحیت و یهودیت
- بحثی تطبیقی پیرامون بررسی ریشه ها، پیش زمینه ها و خاستگاه های نظریه تکثر گرایی دینی در مسیحیت و اسلام

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۲۵

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۱۵

سال دهم، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۵

بررسی تطبیقی پیشگویی های آخرالزمان در اسلام، یهودیت و مسیحیت

فاطمه هدایتی^۱

محسن نورائی^۲

چکیده

یکی از مسائل مهم و مورد توجه همه ادیان، آینده جهان است که از آن به آخرزمان تعبیر می شود. همه به آمدن یک منجی یا مصلحی معتقدند که خواهد آمد و جهان را از تاریکی، فقر، جهل و ظلم رهایی می بخشد و حکومت واحد جهانی را بر اساس مساوات و عدالت استوار می سازد. اما قبل از آمدن منجی، یکسری حوادثی رخ خواهد داد که نشانه و زمینه ساز ظهور است که در هر یک از ادیان به برخی از این وقایع اشاره شده است. استخراج و بررسی این موارد، سبب شناخت بیشتر این رویدادها می شود و از سوی دیگر اتفاق نظر ادیان مختلف در مورد آخرزمان را نشان می دهد. پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی فراهم شده، تنها به بررسی و تطبیق پیشگویی های قبل از ظهور در ادیان ابراهیمی پرداخته است. یافته های پژوهش نشان می دهد فتنه ها و حوادثی که در هر سه دین یهودیت و مسیحیت - با توجه به تغییراتی که در اصل کتاب تورات و انجیل صورت گرفته - و اسلام، بدان اشاره شده، تقریباً ویژگی هایی همسان دارد. این پیشگویی ها، به این نکته اشاره دارد که ظهور منجی آخرزمان چنان با اهمیت بوده است از همان ابتدا،

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) (f.hedayati1369@gmail.com).

۲. استادیار دانشگاه مازندران.

در کتب آسمانی نوید ظهورش را داده‌اند. در میان این پیشگوئی‌ها و گمانه‌زنی‌ها، دین اسلام، شفاف‌ترین و گویاترین چشم‌انداز را از آخرالزمان به تصویر کشیده است.

واژگان کلیدی

ادیان ابراهیمی، منجی، فتنه‌های آخرزمان، یهودیت، مسیحیت، اسلام.

مقدمه

در ادیان مختلف، مثل آیین‌های هند و زردتشت، یهود، مسیحیت و اسلام، این باور وجود دارد که در آینده‌ی جهان، فرد صالحی ظهور خواهد نمود، و در جهت زدودن ستم و نجات بشر قدم برمی‌دارد و در این راه موفق خواهد شد. همه‌ی این‌ها در هدف کلی، یعنی هدایت و ارشاد و نجات بشر از نادانی و گمراهی وحدت نظر دارند. حال ممکن است در امور و اهداف جزئی و برخی از ویژگی‌ها، دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند. از این فرد صالح، به عنوان مصلح یا منجی آخرزمان تعبیر می‌شود.

توجه به موضوع آخرزمان و ظهور منجی از آن جهت اهمیت دارد که حجم روایات موجود از ائمه معصومین علیهم‌السلام در خصوص آخرالزمان و نشانه‌های ظهور بسیار زیاد است و بخش عمده‌ای از روایات آخرالزمان، توسط پیامبر و در نخستین روزهای بعثت بیان شده است. آخرزمان شناسی یک مسئله‌ی بسیار مهم است به طوری که در ۲۵۷ دانشگاه امریکا، رشته آخر زمان شناسی تدریس می‌شود (پایگاه اطلاع رسانی حوزه: ۱۳۸۸/۸/۱۴) یا در ادیان مختلف با توجه به پیش‌گویی‌هایی که از کتب آسمانی خود دریافتند، در مورد آینده برنامه‌ریزی می‌کنند. این نشانه‌ها و علائم موقعیت بشر را در تاریخ معین می‌کند و مردم می‌دانند که در چه فاصله‌ای از ظهور قیامت قرار گرفتند. همچنین هشدار و تذکر، آمادگی یافتن، جلوگیری از یأس و ناامیدی، شناسایی دوست و دشمن از کارکردهای نشانه‌های ظهور است.

محور بحث، بررسی و برشماری برخی از حوادث و رویدادهای قبل از ظهور است. در واقع ظهور این منتظر با وقایع و حوادثی خاص توأم است که در منابع ادیان مختلف، کم و بیش مشابهت‌هایی میان آن‌ها دیده می‌شود.

هدف از تدوین این مقاله نگاهی تطبیقی به برخی نشانه‌های ظهور در ادیان ابراهیمی دارد که مور بررسی قرار می‌گیرد.

لذا این مقاله می‌کوشد به پاسخ به برخی از ابعاد این پرسش‌ها بپردازد:

مراد از آخرزمان چیست؟ چه حوادثی در آخرزمان به وقوع خواهد پیوست؟ آیا در همه ادیان

وقوع این رویدادها پیشگویی شده است؟ و...

اعتقاد به منجی

ادیان را می‌توان از جنبه‌های گوناگون دسته‌بندی کرد.^۱ اما به طور کلی ادیان دو دسته‌اند: توحیدی و غیرتوحیدی. (توفیقی، ۱۳۸۹: ۲۱۷). یهودیت و مسیحیت و اسلام معروف‌ترین ادیان ابراهیمی هستند. مسیحیت مدعی هستند که ظهور آن در یهودیت پیشگویی شده است، همان‌طور که اسلام چنین ادعایی را نسبت به یهودیت و مسیحیت دارد.

عقیده به منجی بزرگ، یک عقیده عمومی و مشترک است و اختصاص به یک قوم و ملت و دین ندارد. ادیان و مذاهب گوناگون در جهان حکومت می‌کنند، عموماً ظهور او را خبر داده‌اند، اگر چه در اسم او اختلاف دارند.

انتظار فرج و اعتقاد به موعود یک اشتیاق و میل باطنی است، اسلام و ادیان دیگر نیز با وعده‌ی ظهور منجی بزرگ این خواسته و شوق درونی را بی‌پاسخ نگذاشته و این خواسته نیز مانند دیگر خواسته‌ها در شرایط گوناگون، کم و زیاد و شدت و ضعف پیدا می‌کند (تونه‌ای، ۱۳۹۳: ۱۰۸).

ظهور حضرت حجت علیه السلام از اموری است که در اسلام نسبت به آنها به شدت تاکید شده و در حتمیت آن ذره‌ای شک و شبهه وجود ندارد. خداوند متعال در آیاتی نظیر آیه ۵۵ سوره نور، به مؤمنان وعده داده است که فرمانروایان زمین گردند و بر آن سیطره یابند که چنین واقعه‌ای در تمام طول تاریخ تاکنون اتفاق نیفتاده است و از آن‌جا که "ان الله لایخلف المیعاد" (آل عمران/ ۹)، خداوند در وعده خویش تخلف نمی‌کند، در آینده‌ای دور یا نزدیک حتماً چنین اتفاقی خواهد افتاد ان شاء الله.

در موارد بسیاری از روایات نیز رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و معصومین علیهم السلام شدیداً بر امر ظهور تاکید نموده‌اند و می‌فرمایند: «حتی اگر از عمر هستی بیش از یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن قدر این روز را طولانی می‌کند که حضرت مهدی علیه السلام ظهور کرده و جهان را مملو از قسط و عدالت گرداند» (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲/ ۳۴۰؛ طبرسی، ۱۳۳۸: ۴۰۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۱/ ۱۳۳).

علامه طباطبائی می‌نویسد: بشر از زمانی که روی زمین سکنی گزیده، پیوسته در آرزوی یک زندگی اجتماعی مقرون به سعادت می‌باشد و به امید رسیدن به چنین روزی قدم برمی‌دارد و اگر این خواسته تحقق خارجی نداشت، هرگز چنین آرزو و امیدی در نهاد وی نقش نمی‌بست؛

۱. رک: آشنایی با ادیان بزرگ: ص ۸.

چنان چه اگر غذایی نبود، گرسنگی ای نبود.... از این رو و به حکم ضرورت، آینده‌ی جهان روزی را در برخواهد داشت که آن روز جامعه بشری پراز عدل و دادو صلح و صفا زندگی خواهد شد و ... البته استقرار چنین وضعی، به دست خود انسان خواهد بود و رهبر چنین جامعه‌ای، منجی جهان بشری و به لسان روایت «مهدی» خواهد بود (طباطبائی، ۱۳۶۲: ۲۰).

براساس بشارت‌های فراوانی که در کتاب انجیل آمده، حضرت مسیح به دنبال قیام حضرت قائم علیه السلام در فلسطین آشکار خواهد شد و به یاری آن حضرت خواهد شتافت و پشت سر حضرتش نماز خواهد گزارد، تا یهودیان و مسیحیان و پیروان وی تکلیف خویش را بدانند و به اسلام بگروند و حامی حضرت مهدی علیه السلام گردند (تونه‌ای، ۱۳۹۳: ۱۳۳). در کتاب «ذخیره الالباب» معروف به «دوائر العلوم» آمده که اسم آن جناب - حضرت مهدی علیه السلام - در تورات به لغت ترکوم «اوکیدمو» است (طبرسی نوری، ۱۳۸۱: باب دوم: ۵۸).

در عصر ما که یهودیان صهیونیست خود به پا خاسته و با اشغال فلسطین درصدد برآمده‌اند حقارت همیشگی قوم یهود را برافکنند، چیزی از تب و تاب انتظار موعود کاسته نشده است و یهودیان در انتظار مسیحا لحظه شماری می‌کنند.

فتنه‌های آخر زمان

فتنه را در لغت، به امتحان و آزمودن معنا کرده‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۴/۴۷۲). این واژه معمولاً درباره آن دسته از امتحاناتی به کار برده می‌شود که با تلخی و سختی همراه است (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷: ۳/۴۱۰). در قرآن کریم، این واژه علاوه بر این معنا،^۱ برای بستن راه و بازگرداندن از مسیر حق^۲ شرک و کفر^۳ افتادن در معاصی و نفاق،^۴ اشتباه گرفتن و تشخیص ندادن حق از باطل،^۵ گمراهی،^۶ کشتار و اسارت،^۷ تفرقه و اختلاف میان مردم^۸ و.... به کار رفته است.

مراد از آخر زمان، دوره آخر، قسمت واپسین از دوران روزگار که به قیامت متصل گردد (معین،

۱. العنکبوت (۲۹)/۲: «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»

۲. المائدة (۵)/۴۹: «وَأَنْ أَحْكُمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ»

۳. البقرة (۲)/۱۹۳: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»

۴. الحديد (۵۷)/۱۴: «قَالُوا بَلَىٰ وَ لِكِنَّكُمْ فِتْنَتُهُمْ أَنْفُسُكُمْ وَ تَرَبَّصُوا وَ ارْتَبِصُوا وَ عَزَّكُمْ الْأَمَانِيُّ حَتَّى جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ»

۵. الأنفال (۸)/۷۳: «وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فُسَادٌ كَبِيرٌ»

۶. المائدة (۵)/۴۱: «وَ مَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا»

۷. النساء (۴)/۱۰۱: «وَ إِذَا صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ

الْكَافِرِينَ»

۸. التوبة (۹)/۴۷: «لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَ لَوْ ضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمْ الْفِتْنَةَ»

۱۳۸۴: ۴۷). آخرالزمان عبارتست عربی به معنای "زمان‌های بعد" (به فتح خ) و "پایان زمان" (به کسر خ) یا برخی آخر الزمان را با قیامت یکی دانسته اند. اما آخرالزمان در اصطلاح یعنی سالیان پایانی یک دوره از حیات بشری و سپس ظهور یک منجی موعود که انتظار او کشیده می‌شود تا تحولی همه جانبه در زندگی یک قوم یا تمام بشریت ایجاد کند و بشریت را وارد دوره جدیدی کند.

«آخرزمان» اصطلاحی است در فرهنگ ادیان بزرگ دنیا، به معنای آخرین دوران حیات بشر و قبل از برپایی قیامت. در فرهنگ اسلامی، آخرزمان، هم دوران نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا وقوع قیامت و هم دوران غیبت و ظهور مهدی موعود (ع) را شامل می‌شود (تونه‌ای، ۱۳۹۳: ۳۵). اعتقاد به منجی و آخرالزمان در فرهنگ هر یک ادیان بزرگ دنیا دیده می‌شود. این اعتقاد در دین‌های ابراهیمی از اهمیت و برجستگی بیشتری برخوردار است. موضوع آخرالزمان بخشی از موضوعات اعتقادی این ادیان در مورد پایان این جهان و پیدایش جهان دیگر است. هر یک از ادیان بزرگ درباره آن پیشگویی‌هایی نیز کرده‌اند.

شناخت «آخرزمان» یا فرجام‌شناسی^۱ در ادیان یهود، مسیحیت و زرتشتی حائز اهمیت است. است. نگاهی به دردها و آلام بشر اندیشمند امروز و غربت او در زوال فطرت پاک آدمی، چنین می‌نمایند که در میان همه خواسته‌های ضد و نقیضش، امروز یکی هست که همه در آن مشترکند؛ همه اقوام و ملل یکصدا خواهان آزادی‌اند. شناخت آخرالزمان یا فرجام‌شناسی در بین ادیان ابراهیمی نیز به صورت ویژه و برجسته‌ای مورد توجه قرار گرفته است. پیشگویی‌هایی نیز در کتب مقدس آمده و اعتقاد به وقوع این پیشگویی‌ها به شکل یک اصل مسلم مطرح گردیده است.

در دین یهود به کرات به «روزهای آخر» یا «روز خداوند» (یوم یهوه) اشاره شده است. روز خداوند روزی است که سیر تاریخ جهان به نقطه غایت و کمال خود می‌رسد. این آینده‌ی درخشان در اطراف شخصیت «ماشیح» که از جانب خداوند مأموریت خواهد داشت تا این دوران تازه و پر از شگفتی‌ها را آغاز کند تمرکز خواهد یافت. تلمود بارها به ماشیح و مأموریت او اشاره کرده است (کوهن، ۱۳۸۲: ۲۵۷).

در احادیث بسیاری آمده است که حضرت مهدی صلی الله علیه و آله در آخرزمان ظاهر می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر فراز منبر فرمودند: «مهدی از عترت و اهل بیت من است. او در آخرزمان ظهور می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۱/۷۴). و نیز فرمود: «مژده باد شما را به ظهور مهدی صلی الله علیه و آله که او

در آخرزمان به هنگام سختی روزگار و فتنه و اختلاف و عدم امنیت می‌آید و خداوند به وسیله‌ی او زمین را پراز قسط و عدل می‌نماید» (صافی، ۱۳۷۳: ۱۷۱).

آن‌گونه که از احادیث بر می‌آید، زمان ظهور حضرت حجت علیه السلام از جمله اموری است که خداوند متعال آن را از مردم پنهان نموده است و هر زمان که خداوند تبارک و تعالی اراده کند و شرایط و علل فراهم و مناسب باشد؛ زمین را از برکات وجودی آن امام همام بهره‌مند خواهد نمود.

علائم ظهور: نشانه‌های حتمی و غیر حتمی ظهور

در روایات اسلامی نشانه‌های ظهور به دو دسته نشانه‌های حتمی و نشانه‌های غیر حتمی تقسیم شده‌اند. آن‌گونه که امام باقر علیه السلام امور را به موقوفه و حتمیه و امام صادق علیه السلام به حتمی و غیر حتمی تقسیم کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲/۲۴۹).

علائم حتمی ظهور، آنهایی هستند که تحقق‌شان بدون هیچ قید و شرطی الزامی است؛ اما علائم غیر حتمی، نشانه‌هایی هستند که ممکن است تغییر یابند و یا به کلی حذف شوند.

نشانه‌هایی که در آستانه‌ی ظهور حضرت مهدی علیه السلام تحقق خواهد یافت، پنج نشانه است که به آن‌ها علائم حتمی می‌گویند؛ زیرا در مورد آن‌ها احتمال «بداء» نیست و به طور یقین و جزم، واقع‌شدنی است. این علائم پنج‌گانه حتمی، در روایات و اخبار از زبان حضرات ائمه معصومین علیهم السلام به ویژه امام علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام مطرح شده است.

منظور از علائم حتمی آن است که تقدیر قطعی خدا به وقوع آن تعلق گرفته است و در بسیاری از روایات که از حد تواتر گذشته، آمده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پنج نشانه قبل از ظهور قائم می‌باشد: ۱- صیحه آسمانی ۲- خروج یمانی ۳- خسف در سرزمین بیداء ۴- خروج سفیانی ۵- قتل نفس زکیه (صافی، ۱۳۷۳: ۴۵۲).^۱

مراد از علائم موقوفه یا غیر حتمی، آن است که وقوع آن ممکن است مشمول بداء^۲ گردد. بداء اصطلاحاً به معنی روشن شدن چیزی پس از مخفی بودن از مردم است؛ بدان معنا که خداوند متعال بنا بر مصلحتی، مسأله‌ای را از زبان پیامبر یا ولی‌ای از اولیای خویش به گونه‌ای تبیین می‌کند و سپس در مقام عمل و ظهور و بروز، غیر آن را به مردم نشان می‌دهد. در قرآن آمده: «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (الرعد/۳۹): «خدا آنچه را بخواهد محو یا

۱. رک: شیخ صدوق، کمال الدین: ۶۵۰/۲، شیخ طوسی، الغیبة ص ۲۶۷، نعمانی، الغیبة، ص ۱۶۹ و ۱۷۲: بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۲۰۴، اعلام الوری، ص ۴۲۶؛ منتخب الاثر، ص ۴۳۹ و ۴۵۵.

۲. برای مطالعه بیشتر رک: موعودنامه: صص ۱۶۱-۱۶۴.

اثبات می‌کند، و اصل کتاب نزد اوست» (فولادوند، ۱۴۱۵ق).

در واقع علائم غیر حتمی، علائمی هستند که فی الجمله مشروط به شروطی است که اگر آن شروط تحقق یابد آن علائم واقع می‌شوند، و اگر آن شروط مفقود باشد، آن علائم نیز تحقق نمی‌یابند. علائم غیر حتمی فراوان هستند و نوعاً بعضی از آنان به وقوع پیوسته است. اما در ادیان دیگر چنین تقسیم بندی -علائم حتمی و غیر حتمی- وجود ندارد. از این رو در این مقاله به آن دسته از علائم قبل از ظهور پرداخته می‌شود که ادیان دیگر هم راجع به آن پیشگویی شده یا در کتب آسمانی‌شان آمده است. علائمی مانند: خروج دجال، آرماگدون، دابه الارض، یاجوج و ماجوج، جنگ و خونریزی، ندای آسمانی، زیاد شدن گناه و مفسد اخلاقی، خسوف و کسوف و

خروج دجال

یکی از نشانه‌ها و علایم ظهور حضرت مهدی علیه السلام، خروج شخصی به نام «دجال» است. دجال در زبان عربی از ریشه «دجل» به معنای بسیار دروغگو و حيله گر (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۳۶/۱۱) و هم چنین به معنای «آب طلا» است و به همین علت، افراد بسیار دروغگو که باطل را حق جلوه می‌دهند، «دجال» نامیده می‌شوند. دجال ستمکاری است که در آخرالزمان مردم را همراه خواهد کرد و در هر سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام مطرح شده است. «دجال» لقب دغل بازی است که نزد یهودیان «آرمیلوس» و نزد مسلمانان «صائد بن صید» (الهامی، ۱۳۷۷: ۳۲۶) نامیده می‌شود.

ظهور دجال در فرجام زمان به عنوان اصلی ترین دشمن منجی آخرالزمان از آموزه‌های مشترک بین یهودیت و مسیحیت و اسلام است. رد پای دجال را از ۲ قرن قبل از میلاد مسیح در تورات و آموزه‌های موسوی و آن گاه در انجیل در آموزه‌های عیسوی و پس از آن در قرآن و روایات محمدی می‌توان یافت.

از دیدگاه مسیحیت، واژه دجال در زبان عبری و در آموزه‌های یهودی به معنای «دشمن خدا» است که از ترکیب دو واژه «دج: دشمن، ضد» و «آل: خدا» تشکیل شده است (پرتوی آملی، ۱۳۶۵: ۴۳۶/۱). دجال از دیدگاه مسیحیت^۱ به معنای ضد مسیح می‌باشد. دجال کسی است که در آخرالزمان ظهور می‌کند و پرچم ضدیت و دشمنی با تمام آموزه‌های عیسی مسیح را بر می‌افرازد. در انجیل این واژه تنها در نامه‌های یوحنا وجود دارد و از کسانی که حضرت مسیح

و یا «پدر و پسر» را انکار کنند، به عنوان دجال یاد شده است.. چنان که در نامه اول یوحنا باب دوم آیه ۱۸ می‌خوانیم :

«ای بچه‌ها این ساعت آخر است و چنان که شنیده‌اید که دجال می‌آید الحال هم دجالان بسیار ظاهر شده‌اند و این را می‌دانم که ساعت آخر است» و نیز در همین رساله در آیات ۲۲ و ۲۳ می‌خوانیم : «دروغو کیست جز آن که مسیح بودن (یعنی نجات دهنده بودن) عیسی را انکار کند و آن دجال است که پدر و پسر را انکار می‌نماید».

طبق آموزه‌های مسیحی، در مورد مفهوم حقیقی باید گفت: عده‌ای از اندیشمندان مسیحی بر این باورند که دجال شخصی خاص و دشمن برجسته مسیح است. برخی دیگر دجال را مجموعه کامل کسانی می‌دانند که با عیسی مسیح مخالفند.

دجال فردی است که در آخرزمان و پیش از قیام مهدی علیه السلام خروج می‌کند و با انجام کارهای شگفت‌انگیز جمع بسیاری از مردم را می‌فریبد و سرانجام به دست عیسی مسیح علیه السلام در کنار دروازه «لد»^۱ در منطقه شام، به هلاکت می‌رسد (موسسه فرهنگی انتظار نور، ۱۳۸۲: ۲۳۳).

این نشانه در کتاب اهل سنت از نشانه‌های برپایی قیامت (صحیح مسلم: ۱۸/۴۶ و ۸۱) و در منابع روایی شیعه از نشانه‌های ظهور است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲/۱۹۳؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۵۲۵). البته هیچ اشکالی ندارد که رخدادهایی چون خروج دجال، هم نشانه ظهور باشد و هم نشانه‌ی قیامت؛ چون خود ظهور امام عصر علیه السلام هم از علائم آخرالزمان می‌باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «قیامت برپا نمی‌شود، تا وقتی که مهدی علیه السلام از فرزندانم قیام کند و مهدی علیه السلام قیام نمی‌کند، تا وقتی که شصت دروغگو خروج کنند» (مفید، ۱۴۱۳: ۲/۳۷۱). یا می‌فرماید: «قبل از برپایی قیامت، خروج دجال است و پیش از دجال، سی دروغگو، یا بیشتر خروج خواهند کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲/۳۰۰).

در روایات نبوی از فتنه دجال با عنوان «اشد الفتن؛ سخت‌ترین فتنه‌ها» یاد شده است (متقی هندی، ج ۱۴)؛ پیامبر اسلام از امت خویش خواسته است که دجال و ویژگی‌های او را به خوبی بشناسد، در فتنه انگیزی‌های او به دقت بیندیشند و خطر خیزی آن را به یکدیگر و آیندگان خویش یادآور شوند و در همه حال بر ضد دجال و آرمان‌هایش عمل نمایند.

۱. باب لد، به فتح و ضم لام تلفظ می‌شود. لد، روستایی است در نزدیکی بیت المقدس در سرزمین فلسطین (مراسد الاطلاع: ۱۲۰۲/۳). در روایتی آمده: «حضرت عیسی علیه السلام پس از فرود آمدن از آسمان، دجال را دنبال می‌کند و در «باب لد» به او می‌رسد و او را به هلاکت می‌رساند» (منتخب الاثر: ۳۱۶ و ۳۱۸؛ کشف الغمّه: ۲۷۹/۳).

کلمه‌ی «هَرْمَجْدُون» واژه‌ای است اصلاً یونانی که بنا بر تعریف واژه‌نامه امریکایی، هم‌چون فرهنگ «ویستر» به معنی نبرد نهایی حق و باطل در آخرزمان است. هم‌چنین این واژه نام شهری است در منطقه عمومی شام که بنا بر آن چه در باب شانزدهم مکاشفات یوحنا، در عهد جدید آمده است، جنگی عظیم در آن جا رخ می‌دهد و مرحله حاضر از زندگی بشر در آن زمان پایان می‌یابد. به عبارتی نبرد مذکور، مقدمه تحولی بزرگ است که سرنوشت نهایی آدمی بر روی کره زمین به آن بستگی دارد (تونه‌ای، ۱۳۸۹: ۳۹).

آرماگدونی که از آن سخن می‌گویند، همان حادثه‌ی عظیمی است که پیش از ظهور مهدی علیه السلام رخ خواهد داد، همان حادثه بزرگی که ائمه ما، نام «قریسا» را بر آن اطلاق کرده‌اند. در صحیح‌ه‌ی میسر از امام باقر علیه السلام نقل است که فرمودند: «ای میسر! از این جا تا قرقیسا چقدر راه است؟» عرض کردم: «همین نزدیکی‌ها در ساحل فرات قرار دارد». سپس فرمودند: «اما در این ناحیه واقعه‌ای اتفاق خواهد افتاد که زمانی که خداوند متعال آسمان‌ها و زمین را آفریده بی‌سابقه بوده، چنان‌که تا وقتی آسمان‌ها و زمین برپا هستند هم، واقعه‌ای هم‌چون آن اتفاق نخواهد افتاد... سفره‌ای است که درندگان زمین و پرندگان آسمان از آن سیر شوند» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۹۵/۸).

قریسا شهری در شمال سوریه است که در محل التقای رود خابور و فرات قرار گرفته است. این شهر در سال ۱۹ هجری به دست مسلمانان فتح شد و این نام برای آن گزیده شد. این شهر مرکز تجاری بوده و شهرت جهانی داشت (قاموس الاعلام ترکی: ۳۶۱۵/۵ به نقل از روزگار رهایی ۹۳۴/۲).

نبرد قرقیسا میان دو واقعه‌ی مهم صورت می‌گیرد: اول خروج سفیانی^۲ و دوم، ظهور مهدی علیه السلام (تونه‌ای، ۱۳۹۳: ۵۶۱). آن‌چه از روایات برمی‌آید، نبرد قرقیسا بر سر گنجی است که

1. Armageddon

۲. یکی از نشانه‌های حتمی ظهور مصلح بزرگ جهانی در دین مبین اسلام، خروج سفیانی است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۸۲/۵۲). سفیانی در روایات این گونه توصیف شده است: مردی است به رنگ سرخ و زرد، با چشم کبود. در ظاهر ذکر خدا می‌گوید، ولی از پلیدترین و کثیف‌ترین مردم روزگار است و در پلیدی و خباثت چنان است که زن بچه‌دار خود را از ترس این‌که مبادا مردم را به مخفیگاه او راهنمایی کند، زنده به گور می‌کند (همان: ۵۲: ۲۰۶). تفاوتی که «سفیانی» با «دجال» دارد شاید بیشتر در این است که دجال از طریق حیل و تزویر و فریب، برنامه‌های شیطانی خود را پیاده می‌کند، اما سفیانی از طریق استفاده از قدرت تخریبی وسیع خود این کار را انجام می‌دهد؛ در روایات آمده است که سفیانی نقاط آبادی از روی زمین را زیر پرچم خود قرار خواهد داد، که نظیر آن را در حکومت ابوسفیان و معاویه و یزید در تاریخ خوانده‌ایم (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۶/۵۲).

در ناحیه فرات پیدا می شود. ابن حماد به نقل از پیامبر ﷺ از این گنج چنین گزارش می دهد: فرات، از کوهی از دجله و فرات پرده بر می دارد. پس بر سر آن جنگ می شود، به طوری که از هر نه نفر، هفت نفر کشته می شود. پس هر گاه آن را درک کردید، به آن نزدیک نشوید.

برخی از دانشمندان، یکی از علایم ظهور حضرت مهدی ﷺ را وقوع معركة جنگی در منطقه ای به نام هرمجدون و به تعبیر روایات قرقیسیا می دانند. این قضیه حتی در کتب اهل کتاب نیز به آن اشاره شده است (رؤیای یوحنا، ۱۶-۱۳/۱۶؛ سفر زکریا، ۵-۱۴/۱؛ کتاب مقدس، ص ۸۴۳). اهل کتاب از یهود و نصارا این معركة جنگی را بس عظیم و خطرناک می دانند که در پایان تاریخ بشر اتفاق خواهد افتاد.

یأجوج و مأجوج

یأجوج و مأجوج، دو امت وسیع که به گفته بیشتر دانشمندان، از نسل آدم و حوا و به نقلی از نسل آدمند، ولی مادرشان حوا نبوده و می گویند آنان به یافث بن نوح، منتهی می شوند و زجاج گفته آن ها تیره ای از ترکند (حسینی دشتی، ۱۳۷۹: ۵۷۱/۱۰). پیامبر ﷺ، خروج یأجوج و مأجوج را نشانه های قیامت برشمرده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰۳/۶).

در قرآن کریم از یأجوج و مأجوج در سوره های کهف^۱ و انبیاء^۲ سخن به میان آمده است. در تورات در کتاب حزقیل (فصل ۳۸ و ۳۹) و در کتاب رویای یوحنا (فصل ۲۰) از آن ها به عنوان «گوگ» و «ماگوگ» یاد شده است که معرب آن یأجوج و مأجوج است.

آیات قرآن گواهی می دهد، که این دو نام، متعلق به دو قبیله وحشی خونخوار بوده است که مزاحمت شدیدی برای ساکنان اطراف مرکز سکونت خود داشتند. علامه در تفسیر المیزان از مجموعه روایات استفاده می کند که یأجوج و مأجوج گروه یا گروه های بزرگی بودند که در دوردست ترین نقطه ی شمال آسیا زندگی می کردند. آنان مردمی جنگ جو و غارتگر بودند (علامه طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳۶۳/۱۳). برخی معتقدند این دو کلمه عبری است؛ ولی در اصل از زبان یونانی به عبری منتقل شده است و در زبان یونانی «گاک» و «ماگاک» تلفظ می شده که در سایر لغات اروپایی نیز به همین صورت انتقال یافته است. برخی نیز گفته اند آن ها از قبایل وحشی نواحی مغولستان بوده اند که مردم قفقاز به هنگام سفر کوروش به آن منطقه، تقاضای جلوگیری از آن ها را کردند و او نیز اقدام به کشیدن سد معروف ذوالقرنین نمود (مکارم

۱. آیات: ۹۲ تا ۹۸: «... قَالُوا يَا ذَا الْقُرْآنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَى أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا...»

۲. آیه: ۹۶: «حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ»

شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲/۵۵۱).

در برخی روایات خروج یأجوج و مأجوج را از نشانه‌های ظهور دانسته‌اند (صافی، ۱۳۷۳: ۴۶۱؛ متقی هندی، ۱۴۰۱: ۳۳۸/۱۴) یا روایاتی چند، پراکنده شدن یأجوج و مأجوج بر روی زمین، در کنار خروج دجال و نزول حضرت عیسی علیه السلام ذکر شده است (دیلمی، ۱۴۱۲ق: ۱/۶۶). که با دقت در آن روشن می‌شود که ارتباطی با مسأله ظهور ندارد، بلکه بیشتر آن ناظر به برپایی قیامت هستند. نیز ممکن است گفته شود: «مقصود از پراکنده شدن یأجوج و مأجوج، افراد شرور با ویژگی خاص نیست، بلکه می‌تواند این حقیقت در هر گروهی باشد که در مقابل حق در آخرزمان می‌ایستد و اقدام به شرارت می‌کند» (تونه‌ای، ۱۳۹۳: ۷۸۲).

جنگ و خونریزی

در منابع دینی، از جنگ‌های خونین و کشتارهای بزرگ، به عنوان نشانه‌های ظهور یاد شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۲/۲۴۶ و ۲۵۱ و ۳۸۸). گویا این جنگ‌ها میان اهل باطل، بر سر رقابت‌های مادی و سیاسی روی می‌دهد که در نهایت، بدون پیروزی هیچ یک از دو گروه و پس از برجای گذاشتن انبوهی از کشته‌ها پایان می‌یابد. برخی از روایات سخن از فتنه‌ها دارد، تعدادی از روایات از جنگ‌های پیاپی خبر می‌دهد و روایاتی درباره‌ی کشتار انسان‌ها به وسیله‌ی جنگ و بیماری‌های ناشی از طاعون سخن به میان می‌آورد (تونه‌ای، ۱۳۹۳: ۲۵۲). در منابع مسیحی نیز به وقوع جنگ‌ها و قتل‌های فراوان اشاره شده است: از دور و نزدیک خبر جنگ‌ها به گوش تان خواهد رسید. اما پریشان نشوید، زیرا جنگ‌ها درگیر خواهند شد اما آخر دنیا در آن زمان نیست (متی، ۲۴: ۶). قوم‌ها و ممالک جهان با یکدیگر به ستیز خواهند خاست (متی، ۲۴: ۷). در نقاط دور و نزدیک جنگ‌های بسیاری بروز خواهد کرد ولی این علامت فرا رسیدن آخر زمان نیست (مرقس، ۱۲: ۷) و «... جنگ و اخبار جنگ‌ها را خواهید شنید. زنده‌ها مضطرب مشوید، زیرا که وقوع این همه لازم است لیکن انتها هنوز نیست، زیرا قومی با قومی و مملکتی با مملکتی تفاوت خواهند نمود و قحطی‌ها و وباها و زلزله‌ها در جای‌ها پدید آید...» (کتاب مقدس، انجیل متی: ص ۴۱/باب ۲۴).

قبل از آمدن او جنگ‌های عالمگیر، خصوصا در منطقه فلسطین روی می‌دهد که همه را به وحشت می‌اندازد که چنان مصیبت بزرگی در عالم واقع نشده است. با توجه به باب ۲۱ از انجیل لوقا استفاده می‌شود که: قبل از آمدن او دنیا پر از ظلم و جور می‌شود و سراسر جهان را ستمگران احاطه می‌کنند. آمدن او دارای علائمی است و در آن زمان علامت پسر انسان در آسمان هم پدیدار می‌گردد (انجیل لوقا: ۲۱).

در بهبود نیز، زمان ظهور ماشیح به واسطه بروز ناراحتی‌های سیاسی که به جنگ‌های سخت منجر خواهد گردید، مشخص خواهد شد. چنان که گفته شده است: «هر وقت بینی که دولت‌ها با هم به جنگ می‌پردازند، منتظر قدوم ماشیح باش چون در دوره ابراهیم نیز چنین شد و هنگامی که دولت‌ها با هم به جنگ پرداختند برای ابراهیم نجات حاصل گردید» (پیدایش ۱۴).

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «پس از من چهار فتنه به شما خواهد رسید: در فتنه اول، خون‌ها مباح می‌شود و کشتار زیاد می‌گردد. در فتنه دوم، خون‌ها و اموال حلال می‌شود و قتل و غارت اموال بسیار می‌گردد. در فتنه سوم، خون‌ها و مال‌ها و نوامیس مردم، مباح شمرده می‌شود و علاوه بر قتل و غارت، ناموس انسان‌ها در امان نمی‌ماند. در فتنه چهارم، که فتنه‌ای کر و کور و بسیار سخت، و چون کشتی متلاطم و مضطرب در دریا، هیچ کس از آن فتنه پناهی نمی‌یابد؛ فتنه از شام به پرواز در می‌آید و عراق را فرا می‌گیرد و دست و پای جزیره - حجاز - به آن آغشته می‌شود، گرفتاری‌ها مردم را از پای در می‌آورد و چنان می‌شود که کسی توانایی چون و چرا ندارد و از هر سویی که فروکش می‌کند از سوی دیگر شعله‌ور می‌گردد» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۲/۳۷۱).

امام رضا علیه السلام فرمودند: «پیش از ظهور، کشتارهای پیاپی و بی‌وقفه رخ خواهد داد» (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۲۸۳). امیرالمومنین علیه السلام نیز فرمودند: «حضرت مهدی علیه السلام ظهور نمی‌کند مگر این‌که یک سوم مردم کشته شوند و یک سوم بمیرند و یک سوم باقی بماند» (ابن طاووس، ۱۳۸۲ه: ۵۸).

از مجموع روایات استفاده می‌شود که: ۱. پیش از ظهور حضرت، کشتارهایی رخ می‌دهد و تعداد بسیاری از انسان‌ها کشته می‌شوند افرادی که باقی می‌مانند کمتر از کشته‌شدگان هستند. ۲. تعدادی از کشته‌شدگان در جنگ و تعدادی به واسطه بیماری‌های مسری جان می‌سپارند. ۳. در میان اقلیتی که که باقی می‌مانند، شیعیان و دوستداران امام زمان علیه السلام هستند (طبری، ۱۳۸۲: ۴۵).

ندای آسمانی

یکی از حوادثی که در فاصله کمی از قیام مهدی علیه السلام رخ می‌دهد، ندایی است که از آسمان برخاسته و نام حضرت قائم را به گوش تمام جهانیان می‌رساند. شیخ طوسی، نعمانی و شیخ صدوق در کتاب‌های خود روایات زیادی را در این مورد نقل کرده‌اند که در اینجا به یک مورد اشاره می‌شود:

نعمانی به سند خود از امام محمد باقر علیه السلام چنین نقل می‌کند: آن ندای آسمانی بر نخواهد خاست مگر در ماه رمضان که ماه خداست. آن ندا از جبرئیل است که خطاب به مردم سر داده می‌شود و نام قائم را در همه جا طنین انداز می‌سازد تا آنجا که همه ساکنان زمین از شرق تا به غرب آن را ندا را خواهند شنید. از وحشت شنیدن آن ندا هر کس که در خواب فرو رفته بیدار شده و هر کس برپا ایستاده ناچار به نشستن می‌شود و هر کس بر زمین نشسته به ناگاه از جای برمی‌خیزد. پس رحمت الهی بر کسی باد که این ندا را بشنود و به آن پاسخ گوید (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۲۵۷).

دوران ظهور ماشیح در کتاب «گنجینه‌ای از تلمود» این‌گونه توصیف شده است: «یک روایت چنین نقل می‌کند: طی دوران هفت‌ساله‌ای که ماشیح، فرزند داود در آن ظهور خواهد کرد... در سال ششم، صداهایی از آسمان به گوش خواهد رسید و در سال هفتم، جنگ‌ها در خواهند گرفت و در پایان این دوران هفت‌ساله، فرزند داود، ظهور خواهد کرد».

در باور مسیحیان نیز از نشانه‌های آمدن منجی، ندایی است که از آسمان برمی‌خیزد و یاران مسیح را گرد هم می‌آورد. در «انجیل متی» آمده است: «آن گاه علامت پسرانسان در آسمان پدید شود و در آن وقت، جمیع طوایف زمین، سینه‌زنی کنند و پسرانشان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می‌آید و فرشتگان خود را با صور بلند آواز فرستاده، برگزیدگان او را از بادهای اربعه از کران تا به کران فلک فراهم خواهند آورد».

و در رساله اول پولس به تسالونیکیان آمده است: «زیرا خود خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردان در مسیح اول خواهند برخاست».

آتش از آسمان

از نشانه‌های آخرزمان، نخست نشانه صاعقه‌ها، سپس باد زرد آمده است. در سال ظهور، باران‌های پیایی زمین را آباد و سرسبز می‌کند و وضع مردم بهتر می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «در آستانه قیام مهدی علیه السلام، سالی پرباران خواهد بود که در اثر آن، خرما بر روی نخل می‌پوسد. پس در این تردیدی به خود راه ندهید» (طبرسی، ۱۳۳۸: ۲۹۰ و ۴۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۲/۳۳۷).

آتشی از آسمان در بعضی از روایات اسلامی به آتش زرد و سرخ خامی اشاره شده که از مقدمات ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «وقتی آتش بزرگی از سوی مشرق مشاهده کردید که در بعضی شب‌ها بالا می‌آید، در آن هنگام گشایش کار مردم پدید می‌آید و این آتش اندکی قبل از ظهور قائم خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۲/۳۳۷).

۵۲/۲۴۰). «وقتی از جانب مشرق آتشی بزرگ و سرخ خام مشاهده نمودید که سه یا هفت روز بالا می آید. در آن هنگام به خواست خدا منتظر فرج آل محمد علیه السلام باشید و خدا عزیز و حکیم است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۲/۲۳۰).

در انجیل لوقا نیز از آتشی شبیه آنچه در روایات اسلامی آمده به عنوان نشانه ای از ظهور یاد شده است: «در آن زمان، دنیا مانند زمان لوط خواهد بود که مردم غرق کارهای روزانه شان بودند، می خوردند می نوشیدند، خرید و فروش می کردند، می کاشتند و می ساختند تا صبح روزی که لوط از شهر سدوم بیرون آمد و آتش گوگرد از آسمان بارید و همه چیز را از بین برد. بلی به هنگام بازگشت من، اوضاع دنیا به همین صورت خواهد بود» (لوقا، ۱۷: ۲۸ و ۲۹ و ۳۰). «... و فوراً پس از مصیبت آن ایام، آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را نهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند، قوت های افلاک متزلزل گردد. آن گاه علامت پسرانسان در آسمان پدید گردد، و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسرانسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم آید...» (کتاب مقدس، انجیل متی: ص ۴۱/باب ۲۴).

علامتی مشابه علامت آتشی از آسمان، در احادیث اسلامی وجود دارد که از ظاهر شدن دستی در آسمان خبر داده است، در این رابطه امام صادق علیه السلام می فرماید: «سالی که صیحه آسمانی شنیده می شود، قبل از آن، در ماه رجب، نشانه ای دیده خواهد شد» سوال شد: آن نشانه چیست؟ امام صادق پاسخ دادند: «سیمایی در قرص ماه دیده می شود، و کف دست روشنی در فضا ظاهر می شود.» (مجلسی ۱۴۰۳ق: ۵۲/۲۳۳؛ صافی، ۱۳۷۳: ۴۴۱).

زیاد شدن گناهان و مفاسد اخلاقی

در روایات در باب نشانه های ظهور، بیش از یکصد نوع گناه و انحراف اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی و فرهنگی در دوران غیبت، پیشگویی شده که دامن گیر جوامع اسلامی می شود، از جمله: رشوه خواری، قماربازی، شرابخواری، زیاد شدن زنا، لواط، قطع صله رحم، سنگدل شدن مردمان، اهتمام مردم تنها به شهوت و شکم، از میان رفتن شرم، نپرداختن زکات و خمس، کم فروشی، بی اعتنائی به اوقات نماز، آراستن مساجد به زیورآلات، گزاردن حج به انگیزه های مادی و برای غیر خدا، رعایت نکردن احترام بزرگ ترها، پیروی از ثروتمندان، صرف کردن سرمایه های عظیم در فساد و ابتذال و بی دینی، چاپلوسی و تملق گویی و

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «روزگاری بر مردم بیاید که از قرآن جز نشان بجای نماند، و از اسلام جز نامی نماند، مردم خود را مسلمان می نامند، در صورتی که دورتر از همه کس به اسلام هستند، مسجدهای آنان - در ظاهر - آباد است ولی - در باطن - از هدایت - و حقیقت -

ویران، فقهای آنان بدترین فقهای زیر آسمان هستند، فتنه از نزد آنها بیرون آید و به همان ها نیز باز می گردد» (کلینی، ۱۳۶۴: ۱۳۸/۲).

در باور مسیحیان نیز به افزایش گناه و فساد به عنوان نشانه های ظهور و حوادث آخرالزمان اشاره شده است: این را نیز باید بدانی که در زمان های آخر، مسیحی بودن بسیار دشوار خواهد بود زیرا مردم خداپرست، پول دوست، مغرور و متکبر خواهند بود، و خدا را مسخره کرده، نسبت به والدین نامطیع و ناسپاس خواهند شد و دست به هر عمل زشتی خواهند زد. مردم سنگدل و بی رحم، تهمت زن و ناپرهیزکار، خشن و متنفر از خوبی خواهند بود و کسانی را که می خواهند زندگی پاکی داشته باشند به باد تمسخر خواهند گرفت. در آن زمان، خیانت در دوستی امری عادی به نظر خواهد آمد، انسان ها خود رای، تندخو و مغرور خواهند بود و عیش و عشرت را بیشتر از خدا دوست خواهند داشت. به ظاهر افرادی مومن، اما در باطن بی ایمان خواهند بود. فریب اینگونه اشخاص خوش ظاهر را نخور (نامه دوم پولس به تیموتائوس، ۳).

در مسیحیت گفته می شود هنگامی که شیطان در آخرالزمان آزادی مجدد به دست می آورد (مکاشفه یوحنا ۲۰: ۳)، بسیاری برخاسته، خود را نبی معرفی خواهند کرد و عده زیادی را گمراه خواهند نمود، گناه آنقدر گسترش پیدا خواهد کرد که محبت بسیاری سرد خواهد شد. (متی، ۲۴: ۱۱، ۱۲، ۱۳).

در فرهنگ مسیحی و کتاب مقدس، اعتقاد غلبه حق بر باطل در این دوران روشن است و از دیدگاه ایشان منجی مسیح می باشد. او است که پایان جهان را بسیار نزدیک می دید و مردمان را به توبه و بازگشت به سوی خدا دعوت می کرد و می گفت تنها کسانی بخشوده و رستگار خواهند شد که پیش از رسیدن آن روز خود را از گناه شسته و شایسته برخورداری از رحمت الهی باشند (مرقس، ۱، ۱۴-۱۵، متی ۳، ۲ و ۶).

همچنین در کتاب مقدس برای ظهور منجی علائم و نشانه هایی ذکر شده است که عبارت اند از: «مسیح زمانی ظهور می کند که مردم مجرم اند و ظلم دنیا را فرا گرفته است؛ قوم ها و ممالک جهان با یکدیگر به ستیز بر خواهند خواست و در جاهای مختلف، قحطی و زمین لرزه روی خواهد داد؛ بعد از آن مصیبت ها خورشید تیره و تار شده و ماه دیگر نور نخواهد داشت» (یوحنا، ۲، ۱۸، تسالونیکان، ۱، ۷-۸).

در کتب مقدس یهودیان هم آمده: «ظهور ماشیح با سختی ها و مشقت های طاقت فرسا همراه خواهد بود و پیش از ظهور او آشفتگی و فساد در جهان به حد اعلی خواهد رسید و

مشکلات و سختی‌های زندگی تقریباً غیر قابل تحمل خواهد شد» (شعیا، ۶۰، ۲۱؛ حزقیل، ۳۸، ۳۹) این کشمکش‌ها و جنگ‌ها میان دولت‌های جهان، جنگ‌های گوگ و ماگوگ (یأجوج و مأجوج) نام دارد... (شعیا، ۶۰، ۲۱؛ حزقیل، ۳۸، ۳۹؛ برگرفته از اصغری، ۱۳۸۶: ۸۸-۹۶).

رجعت

رجعت در لغت به معنی بازگشت و بازگشتن به دنیا پس از انتقال به جهان دیگر است. در اصطلاح بدین مفهوم است که امامان، خاندان وحی و رسالت و انبوهی از کسانی که جهان را بدرود گفته‌اند، بار دیگر پس از حضرت مهدی علیه السلام و پیش از شهادت او به خواست خداوند و اراده‌ی حکیمانه او، بدین جهان باز می‌گردند. نخستین رجعت کننده، امام حسین علیه السلام است و پس از ایشان، همه امامان اهل بیت علیهم السلام یکی پس از دیگری رجعت می‌کنند (قزوینی، ۱۳۷۵: ۷۹۲).

در روایتی، امام صادق علیه السلام فرمودند: «ایام الله سه روز است: روز قیام قائم، روز رجعت و روز رستاخیز» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۳/۶۳). در مورد این که آیا همه مردگان رجعت می‌کنند، باید گفت که امام صادق علیه السلام فرمودند: «رجعت برای همه‌ی مردم نیست، بلکه برای گروه‌هایی خاص است: مومنان خالص و کافران محض» (همان: ۵۳/۳۹؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۴/۱۰۰).

طبق آیات قرآن، رجعت در امت‌های پیشین نیز اتفاق افتاده است: ^۱ «ثُمَّ بَعَثْنَاكَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (البقره/۵۶): «سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم باشد که شکرگزاری کنید» (فولادوند، ۱۴۱۵: ۱۴۱۵: ۱۴۱۵). در مورد سرگذشت هفتاد نفر از برگزیدگان قوم حضرت موسی علیه السلام است که هیچ اختلافی در آن نیست و صریح قرآن است که آن‌ها در اثر صاعقه جان سپردند و به درخواست حضرت موسی علیه السلام از نو زنده شدند که معنای «رجعت» چیزی جز زنده شدن پس از مرگ نیست. در این آیه، قرآن کریم تعبیر مرگ را به کار برده تا تصور نشود که آن‌ها مثلاً به خواب رفته بودند و یا غش کرده بودند، بلکه صریحاً می‌فرماید: «شما را پس از مرگ‌تان برانگیختیم».

در سنت یهود، زنده شدن صالحان و نیکوکاران در آغاز روزگار مسیحایی و رستاخیز (رستاخیز مردگان در ایام ظهور مسیح)، بخشی از اعتقاد رایج، درباره‌ی حوادث آخر زمان است. بر اساس برخی از اعتقادات یهودی، تمام کسانی که در کوه زیتون در اورشلیم مدفون‌اند، زودتر از

دیگران بر خواهند خاست (کیرش و هورویتز، ۲۰۰۶: ۴۲۵؛ به نقل از مقاله برنجکار وامیری، ۱۳۸۹: ۱۰۹). در کتاب یهود چنین آمده: «بسیاری از آنان که در خاک زمین خوابیده‌اند، بیدار خواهند شد. اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی» (کوهن، ۱۳۵۰: ۳۶۵ به نقل از تلمود: بخش‌های سنهدرین: ۹۱ب، ۱۹۲الف).

در منابع کنونی آیین مسیح، رجعت به معنای بازگشت نیکوکاران و مومنان برای درک سلطنت مسیح است و از آن به قیامت اول تعبیر می‌شود. در انجیل در مورد رجعت آمده: «و بدو قدرت بخشیده است که داوری هم بکند، زیرا که پسر انسان است و از این تعجب مکنید، زیرا ساعتی می‌آید که در آن جمیع کسانی که در قبور می‌باشند، آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد، هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات، و هر که اعمال بد کرد به جهت قیامت داوری» (کتاب مقدس، انجیل یوحنا: ص ۱۵۲/باب ۵).

خسوف و کسوف

یکی دیگر از نشانه‌های ظهور، کسوف (خورشید گرفتگی) در نیمه ماه رمضان و خسوف (ماه گرفتگی) در آخر و یا اول همان ماه است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «دو نشانه پیش از قیام مهدی علیه السلام پدید خواهد آمد که، از زمان هبوط آدم علیه السلام در زمین بی سابقه است: گرفتن خورشید در نیمه ماه رمضان و گرفتن ماه در آخر آن» (مفید، ۱۴۱۳ق: ۴۹۷).

کسوف در روزهای نخست و آخر ماه و خسوف در روزهای میانی ماه، از نظر علمی، طبیعی و عادی است و در طول تاریخ، بارها رخ داده است، ولی خورشید گرفتگی در وسط ماه یا ماه گرفتگی در اول یا آخر ماه، امری غیر عادی است و رؤیت آن امکان ندارد.

برخی بر این باورند! خسوف و کسوف، به گونه یاد شده، در چهارچوب حوادث طبیعی و عادی نیز قابل بررسی و تبیین است و برای آن، احتمال‌ها و توجیه‌هایی ذکر کرده‌اند. البته نیازی به این توجیه‌ها نیست؛ زیرا هیچ اشکالی ندارد که پدیدار شدن آنها به صورت معجزه باشد، چون در جهت اقامه حجت و تقویت حق و هدایت مردم است و با قانون معجزه ناسازگاری ندارد.

به علاوه این نشانه از نشانه‌های حتمی ظهور نیست و در روایات، به ناگزیر بودن آن اشاره نشده است؛ از این رو نمی‌توان خسوف و کسوف غیر عادی را از نشانه‌های قطعی و مسلم ظهور به حساب آورد (موسسه فرهنگی انتظار نور، ۱۳۸۲: ۲۴۱).

در منابع مسیحی نیز سخن از خورشید گرفتگی و تیرگی ماه به عنوان نشانه‌های ظهور به میان آمده است: «پس از این مصیبت‌ها، خورشید تیره و تار خواهد شد و ماه، دیگر نخواهد

درخشید، ستاره‌ها خواهند افتاد و آسمان دگرگون خواهد شد. آن‌گاه تمام مردم، مرا خواهند دید که در ابرها با قدرت و شکوه عظیم می‌آیم» (مرقس، ۲۶ - ۲۴: ۱۳).

این نشانه غیر عادی - همانند برخی نشانه‌های دیگر - می‌تواند بیدار شدن مردم از خواب غفلت و یقین به امر ظهور باشد. به عبارت دیگر، خداوند در آستانه ظهور، برای اقامه حجت بر مردم و مطمئن ساختن یاران حضرت مهدی علیه السلام به ظهور آن حضرت، چنین پدیده‌هایی را برخلاف معمول و به گونه معجزه، محقق می‌سازد.

نتیجه‌گیری

با توجه به آن‌چه درباره فتنه‌های آخرزمان در یهود، مسیحیت و اسلام گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت:

عقیده به ظهور منجی بزرگ الهی در آخرالزمان که جهانیان را از ستم و استبداد و بیداد رهایی خواهد بخشید، اعتقادی همگانی در میان پیروان ادیان الهی است و در متون دینی این سه آیین بزرگ، نمونه‌های فراوانی از این نویدها و بشارت‌ها وجود دارد.

اساس پیش‌گویی‌های مطرح شده در منابع مقدس یهودیان و مسیحیان از انبیای الهی آنان نشأت گرفته است و مسلماً بخشی از آنان ریشه در تعالیم وحیانی و آسمانی دارد؛ گرچه در بعضی موارد، به مرور زمان در اصل پیش‌گویی وحیانی یا مصادیق آن تغییراتی ایجاد شده باشد و دستخوش تحریف قرار گرفته است.

با توجه به تغییراتی که در تورات و انجیل صورت گرفته، این فتنه‌ها و حوادثی که در هر سه دین یهود، مسیحیت و اسلام بدان اشاره شده، تقریباً ویژگی‌هایی همسان دارد.

این پیش‌گویی‌ها نشان‌دهنده‌ی این نکته است که مسأله ظهور منجی چنان با اهمیت بود که نه فقط از زمان ظهور اسلام که ۱۴۰۰ سال پیش بوده، بلکه قرن‌ها قبل از آن و از همان ابتدا، در کتب آسمانی، نوید منجی آخرزمان آمده است و از حوادث پیرامون این واقعه‌ی مهم خبر داده‌اند.

در میان این پیش‌گوئی‌ها و گمانه‌زنی‌ها در ادیان ابراهیمی، دین اسلام، شفاف‌ترین و گویاترین چشم‌انداز را از آخرالزمان به تصویر کشیده است و اطلاعاتی منسجم و دقیقی از روزهای واپسین عصر از تاریخ را، در اختیار انسان قرار داده است.

منابع

- ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیة للنعمانی*. تهران: نشر صدوق
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)، *النهایه فی غریب الاحدیت والاثر*. قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین وتمام النعمه*. تهران: اسلامیة
- ابن طاووس، سید رضی الدین علی بن موسی بن طاووس (۱۳۸۲هـ)، *الملاحم والفتن*. چاپ نجف
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*. بی جا
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*. بیروت: دار صار، چاپ سوم
- اربلی، علی بن عیسی (۱۴۰۱ق)، *کشف النعمه*. بیروت: دارالکتب الاسلامی
- اصغری، محمد جواد (۱۳۸۶)، *مجله تخصصی کلام اسلامی*. شماره ۶۲، صص ۸۸-۹۶
- الهامی، داوود (۱۳۷۷)، *آخرین امید*. قم: مکتب اسلام
- برنجکار و امیری، رضا و محمد مقداد (۱۳۸۹)، *پیشگویی رجعت در آخزمان در تورات و انجیل و قرآن*. سال هفتم، شماره ۸، صص ۹۳-۱۳۰
- پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۸۸/۸/۱۴: منبع: www.abna.ir
- پرتوی آملی، مهدی (۱۳۶۵)، *ریشه های تاریخی امثال و حکم*. ناشر: سنایی
- توفیقی، حسین (۱۳۸۹)، *آشنایی با ادیان بزرگ*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاه ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه ی علوم انسانی؛ قم: موسسه فرهنگی طه؛ جامعه المصطفی العالمیة، چاپ سیزدهم
- تونه ای، مجتبی (۱۳۹۳)، *فرهنگ الفبایی مهدویت موعودنامه*. قم: مشهور، چاپ سی و یکم.
- حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۷۹)، *معارف و معاریف*. ۱۰ جلدی، تهران: آرایه
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق)، *إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)*. قم: الشریف الرضی
- شیخ مفید، (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد*. قم: کنگره شیخ مفید
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
- _____ (۱۳۶۲)، *شیعه در اسلام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی
- طبرسی، (۱۳۳۸)، *اعلام الوری باعلام الهدی*، چاپ ایران
- نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۳۸۱)، *النجم الثاقب فی احوال الامام الحجة الغائب* علیه السلام. انتشارات

مسجد جمکران، چاپ دوم، بهار ۷۷.

- طبسی، نجم الدین (۱۳۸۲)، چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام. قم: بوستان کتاب
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم

- معین، محمد (۱۳۸۴)، فرهنگ فارسی معین. ۱ جلدی کامل، تهران: ساحل
- قزوینی، سید محمد کاظم (۱۳۷۵)، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور. تهران: آفاق
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۴)، الروضة من الکافی. مترجم: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة

- _____ (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- کوهن، آبراهام (۱۳۵۰)، گنجینه ای از تلمود. مترجم: امیر فریدون گرگانی، تهران: چاپ زیبا
- _____ (۱۳۸۲)، خدا، جهان، انسان و مایشیح در آموزه های یهود. مترجم: امیر فریدون گرگانی، تهران:

- متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۱ق)، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال. بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ پنجم
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: الوفاء
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مهدی پور، علی اکبر (۱۳۷۱)، روزگارهای. تهران: آفاق
- موسسه فرهنگی انتظار نور (۱۳۸۲)، برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات. قم: بوستان کتاب